

نوروز و محکمه ای متفاوت

محسن میردامادی



توانستیم آن را ادامه بدهیم خداوند را شاکر هستیم و همچنین از دوستانی که همه زحمت کشیدند و کمک کردند و روزنامه را که متعلق به خودشان است تا اینجا رساندند، سپاسگزاریم.

امیدوار هستیم که بتوانیم در آینده هم همین راه و مسیر را ادامه بدهیم و خدمت دوستان باشیم و روزهای دیگری را هم این مطالب را داشته باشیم و گرد هم بیاییم و استفاده بکنیم. البته در این مدتی که در روزنامه خدمت دوستان بودیم، همه زحمت را برادران کشیدند. کسانی که در روزنامه هستند می دانند من خیلی نقشی ندارم. همه کارها به عهده دوستان است. من آنجا بیشتر نقش یک تماشاچی را دارم. البته تقسیم کاری کردیم که طبق آن، قرار است من دادگاهش را بروم و دوستان زحمتش را بکشند. روزنامه «سلام» هم که بودیم، آقای عبدی و آقای مزروعی هر وقت که با هم صحبت می کردند، آقای عبدی می گفت: «ما با آقای مزروعی تقسیم کار داریم. آقای مزروعی سفرهای خارجی روزنامه را می رود و من زندانش را می روم!» حالا در روزنامه نوروز هم دوستان همه زحمت هایش را می کشند و روزنامه را می آورند و ما هم دادگاهش را می رویم. البته زندان درش است یا نه هر طور خدا تقدیر کرده باشد ولی این تقسیم کار را داریم. البته ما فکر می کنیم این محاکمه و بحث هایی از این نوع که در مورد روزنامه ها بوده و به طور خاص در رابطه با روزنامه نوروز «الطف الهی» بوده است. این دادگاه باعث شد بسیاری از صحبت هایی که شاید اگر محاکمه ای پیش نمی آمد گفته نمی شد، گفته شود. باب های جدیدی باز شد. صحبت های جدیدی مطرح شد و روزنامه و روزنامه نگاران هم بیشتر مطرح شدند. البته محاکمات مختلف بوده و هر کدام سهم خودشان را داشتند. نوروز هم در این رابطه، سهم خودش را داشته است. من مجموعاً محاکمه ای که در مورد نوروز صورت گرفت یک مقدار متفاوت با روزنامه های دیگر می بینم و فکر می کنم واقعاً لطفی بود که این کار شد.

این شاید از عجایب باشد. در بعضی از شکایات که از نوروز شده بود، روزنامه به دلیل این که یک مضمونی از یک صحبت امام را مطرح کرده بود مورد محاکمه قرار می گرفت و از آن شکایت می شد. یعنی ما به جایی رسیده ایم که بیان کردن بعضی از صحبت های امام هم از نظر بعضی ها جرم تلقی می شود. این نشان می دهد تفکری که این طور می اندیشد، چقدر با انقلاب و اصل انقلاب و خواست مردم و شعارهایی که مردم برای آن انقلاب کردند فاصله گرفته ولی به هر حال آن چیزی که تا به حال پیش آمده و اتفاق افتاده خیر بوده و خیر در آن

نظام و جامعه ای داشته باشیم که هم مردم حاکم باشند و هم آن جامعه جامعه دینی و دیندار باشد. این دوران شاید مشکل ترین دوران باشد، برای فعالیت هایی مثل مطبوعات که باید این تلفیق را در جامعه جا بیندازند. این را به بخشی از حاکمان باید گفت و آنها باید بپذیرند که می توانند در کنار هم باشند و هیچ کدام نافی دیگری نباشند. در چنین شرایطی رسالت روزنامه ها بسیار سنگین است. در جوامعی که مراحل توسعه سیاسی را طی کردند و مطبوعات فعالیت می کنند چنین مشکلاتی برای مطبوعات نیست ولی در نظام و جامعه ای مثل ما که در حال شکل گیری است، این کار بسیار بسیار مشکل است. مطبوعات هم باید از اصول خودشان دست برندارند و اصول را حفظ بکنند، هم به نیاز خوانندگانشان پاسخ بدهند و آن نیازی که کاملاً طبیعی و حق است، را برآورده کنند و هم به محدودیت های میدان مین توجه داشته باشند. طبعاً این دوره، دوره مشکلی است. با این حال، دوران کنونی این امتیاز را داشته که طی سال های اخیر، چون در میدان مین زیاد راه رفته ایم، راه رفتن در میدان مین را آموخته ایم. می دانیم چگونه حرکت کنیم که کمتر با مین برخورد کنیم. زمانی که انتشار نوروز شروع شد، خیلی ها در این طرف و آن طرف، به نقل از مسؤولانی که دست اندرکار این مین گذاری ها هستند، می گفتند که «نوروز» سه روز بیشتر منتشر نخواهد شد و یا هفت روز بیشتر منتشر نخواهد شد یا اگر خیلی تحمل بکنند یک ماه بیشتر منتشر نخواهد شد. از طرف دیگر، ما در ابتدای سال ۸۰ در شرایطی بودیم که انتخابات ریاست جمهوری را هم به فاصله کوتاهی در پیش داشتیم و فکر می کردیم هر چه افراد بیشتری که اعتقاد به اصلاحات دارند در صحنه حضور داشته باشند، می توانند بازار و تنور انتخابات را گرم تر کنند و انتخابات بهتری داشته باشیم که به حمدالله همین هم شد. آن برنامه های سه روز و هفت روز و یک ماه هم خنثی شد و تا به حال هم مانده ایم. می گویند از حضرت علی(ع) سؤال کردند و یا خود ایشان فرمودند در رابطه با شناخت خدا که یکی از دلایل وجود خدا این است که هر چه ما برنامه ریزی کردیم نتیجه متفاوت با آن شد و متفاوت با آن عمل شد. ما هم در جامعه این را شاهد بودیم که به هر حال خیلی ها برنامه هایی می ریزند و مقاصدی را تعیین می کنند برای خودشان و دنبال می کنند ولی بعضی نکات را در نظر نمی گیرند و مردم، خواست و اراده مردم را خیلی وقت ها لحاظ نمی کنند. شاید بعضی مواقع هم اراده های بالاتری را که هست لحاظ نمی کنند و به خواست خدا توجه ندارند. در نتیجه خواست آنها عملی نمی شود. ما از این که در این مسیری که شروع کردیم تا به حال

ما امروز به یک سالگی روزنامه نوروز رسیده ایم. شاید در ابتدا که روزنامه شروع به کار کرد، افراد معدودی تصور می کردند که نوروز یک سال عمر داشته باشد. به هر حال، «نوروز» امروز یک ساله شده و به نوروز جدیدی رسیده ایم. امیدواریم که این مراسم را در سال های متعددی داشته باشیم، نوروزهای متوالی را پشت سر بگذاریم و شرایط جامعه ما هم طوری باشد که روزنامه ها بدون دغدغه و نگرانی بتوانند راه خودشان را ادامه بدهند و در جامعه انجام وظیفه کنند. نوروز در پایان سال ۱۷۹ آغاز به کار کرد. سالی تلخ و تیره برای مطبوعات کشور.

بسیاری از روزنامه ها که مورد علاقه مردم بودند و نقش قابل توجهی در آگاهی بخشی در جامعه داشتند یکباره تعطیل شدند. حتی در آخرین روز سال ۷۹، روزنامه «وران» هم تعطیل شد، یعنی از آخرین روز هم گذشت نشد و در روز آخر هم یک روزنامه را تعطیل کردند. بنابراین، وقتی می خواستیم شروع بکنیم، تردیدها زیاد بود. آقای فرخ یار هم در اولین شماره یادداشتی نوشتند و داستانی را نقل کردند در مورد افغانستان و اتفاقاتی که افتاده بود. شعری را از آقای خلیلی شاعر افغانی نقل کردند که این طور شروع می شد: «بگویند به نوروز که دیگر نیاید» به دلیل اتفاقاتی که آنجا افتاده بود و بعد در ادامه یادداشت نوشته بودند که چند سال بعد در تاجیکستان موقعی که اتحاد شوروی دیگر دورانش به سر آمد و کشورهای جدید متولد شدند، یک شاعر فارس دیگری پاسخ داد به استاد خلیلی شاعر افغانی که: «بگویند به نوروز که هر روز بیاید». ما هم امیدوار هستیم برسیم به جایی که به نوروز بگوئیم که «هر روز بیاید» یا نوروز خود به خود هر روز بیاید. ما فکر می کنیم در شرایطی هستیم که به تعبیر یکی از دوستان (فکر می کنم اگر اشتباه نباشد آقای عبدی این مطلب را اولین بار می گفتند) که کار روزنامه نگاری امروز در جامعه ما مثل فوتبال بازی کردن در میدان مین است که هم بالاخره باید بازی کرد و هم مراقب مین ها بود.

بالاخره بعضی وقت ها یک مینی هم منفجر می شود و لطمات خودش را هم دارد. این به هر حال واقعیت جامعه امروز ما هست. همه ما یک دوران گذار را در جامعه طی می کنیم دورانی که به هر حال با آن سابقه گذشته قبل از انقلاب و آن فرهنگ به سمتی حرکت می کنیم که به تعبیر امروزی مردمسالاری دینی نام گرفته است. می خواهیم در دنیا نشان بدهیم که بین دین و مردم و یابین آزادی و ارزش های دینی ارتباط برقرار بشود و می توانیم

خواهد بود و روزنامه هم به امید خدا به راه خودش ادامه می دهد.

ان شاءالله که به هر حال روزنامه ها بتوانند با اطمینان و بدون هیچ مشکلی کارشان را ادامه بدهند که این باعث می شود بتوانند برنامه ریزی دراز مدت بکنند. یکی از مشکلات این نوع کار کردن در روزنامه ها این است که کمتر می شود برنامه ریزی دراز مدت کرد. امیدواریم کسانی که به هر حال دیدشان و سیاستشان محدود کردن و برخورد با روزنامه ها است یک جمع بندی عاقلانه کنند و ببینند که از برخورد با روزنامه ها چه نتیجه ای گرفتند. امروز که نزدیک به ۲ سال می گذرد از زمانی که برخورد گسترده با مطبوعات شروع شد بعد از این ۲ سال جمع بندی بکنند چه نتیجه ای گرفتند. اگر نتایجی که مورد نظرشان بوده، گرفتند ادامه بدهند و بقیه روزنامه ها را هم ببندند ولی اگر نتیجه نگرفتند بدانند اشتباه را هر موقع جلویش را بگیرند سود در آن است و جلوی اشتباهات گذشته را بگیرند و اشتباهات گذشته را جبران کنند. امیدوار هستیم که این طور بشود.